

موانع اجرای رای داور خارجی در حقوق ایران و مقررات آنسیترال

سارا نائبی^۱، حبیب اسدی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

تشکیل کمیسیون حقوق تجارت بین المللی سازمان ملل متحد (آنسیترال) و نحوه فعالیت ها و نقش آن در توسعه و تدوین نظام نوین حقوق بین الملل، راه غلبه بر مشکلات یک نواختی مقررات را ارائه می دهد. فعالیت جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق تجارت بین الملل از سال ۱۹۸۹ میلادی با عضویت در آنسیترال آغاز شد و نمایندگان دولت در گروه های کاری این کمیسیون در زمینه های ضمانت نامه ها و اعتبارات بین المللی، آثار حقوقی استفاده از وسایل الکترونیکی و ورشکستگی برون مرزی شرکت نموده و نظرات حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران را همراه با نمایندگان سایر دولت ها ارائه کرده اند. تدوین قانون داوری تجاری بین المللی در تاریخ ۷۶/۶/۲۶ در ۹ فصل و ۳۶ ماده است که مهرماه همان سال به تصویب شورای نگهبان رسید. قانون فوق از قانون نمونه آنسیترال که به نظر برخی حقوقدانان فصل مشترک اجماع بین المللی شناخته می شود، الهام گرفته است. نتیجه آنکه ایران، در زمره آن دسته از کشورهایی قرار گرفت که از این طریق به مدرن سازی قوانین مربوط به داوری خود پرداختند، اما این قانون در عین حال دارای ضعف ها و نارسائی هایی است که به دلیل عدول نابجا از قانون نمونه آنسیترال است. کنوانسیون نیویورک ستون اصلی بنای داوری بین المللی و موفق ترین ابزار حقوقی در زمینه تجارت بین الملل است. اما مهمترین چالش کنوانسیون نیویورک اجرای یکسان آن توسط کشورهای عضو است. در این ارتباط ماده ۵ کنوانسیون که حاوی جهات متعددی برای رد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است می تواند به عنوان مانعی در راه رسیدن به این هدف تعبیر شود. دادگاه های ملی با صدور آراء خود نقش نهایی را در شفاف سازی انواع موانع و چالش های شناسایی و اجرای آرای داوری ایفاء می کنند. کنوانسیون نیویورک کوشیده است روند شناسایی و اجرای آرای داوری را حتی الامکان قابل پیش بینی و مؤثر سازد. برای دستیابی به این مهم، کنوانسیون باید در تمام کشورهای عضو به صورت یکسان و واحد به اجراء گذاشته شود. به این ترتیب مؤثرترین عامل در موفقیت کنوانسیون نیویورک، اجرای یکسان آن توسط دادگاه های کشورهای عضو است. در پژوهش حاضر سعی بر بررسی موانع اجرای آرای داوری خارجی در حقوق ایران و قوانین آنسیترال می پردازیم.

واژه های کلیدی: اجراء، آراء، داوری، شناسایی، آنسیترال، حقوق ایران، موانع.

۱- مقدمه

اصل سرعت و امنیت در رسیدگی به دعاوی تجاری اقتضای آن را دارد که دعاوی مربوط به امور تجاری در تشکیلاتی غیر از دادگستری که مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار است صورت گیرد. از این رو نهاد داوری به عنوان یک نهاد غیرقضایی و مستقل که می‌تواند روند رسیدگی به اختلافات تجاری به خصوص در امر بین‌المللی را تسریع نماید ایجاد گردیده است. علاقه به استفاده از داوری تجاری بین‌المللی باعث تأسیس اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس شد و همین موضوع زمینه‌ی نوشته شدن یک کنوانسیون بین‌المللی داوری را برای عبور از موانعی چون غیر قابل اجراء بودن شرط داوری و رأی صادره را به وجود آورد. نتیجه‌ی آن کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ در مورد شرط داوری بود که خیلی زود جایگزین قوانین داخلی کشورها گردید. این کنوانسیون که اکنون فقط جنبه‌ی تاریخی دارد. از اولین اقدامات بین‌المللی در اجرای آرای داوری بود. اجرای مقررات کنوانسیون در عمل مشکلاتی به همراه داشت. از جمله، این کنوانسیون مقرر می‌داشت رأی داوری باید در کشور محل صدور نهایی شده باشد. به این صورت درخواست دهنده‌ی اجرای رأی مجبور به ارائه‌ی ادله‌ای مبنی بر صدور نهایی و اعتبار رأی داوری بود. باقی بودن اعتبار رأی داوری و عدم اعتراض در کشور محل صدور هم از مقررده‌های سخت کنوانسیون مذکور بود. برای گذر از این مشکلات در سال ۱۹۵۳ آی.سی.سی.سی پیشنهاد پیش نویس کنوانسیون برای تسهیلات اجرای آرای داوری بین‌المللی داد. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۵۵ شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل دست به تهیه پیش‌نویسی در همین زمینه زد. این شورا (ایکوساک) به دلیل وابستگی که به سازمان ملل متحد داشت، سعی در تهیه پیش نویس متنی کرد که پیش از آن نظریات کشورها و سازمان‌های مختلف ملی و بین‌المللی را در خصوص اجرای آرای داوری جویا شود و با جمع آوری نظریات متعدد کنفرانسی را در مقر سازمان ملل متحد (نیویورک) برگزار کرد. به این صورت در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی، متن این پیش‌نویس مورد پذیرش قرار گرفت و «کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی» مشتمل بر ۱۶ ماده، تصویب شد. برای اینکه رأی داوری بر اساس این کنوانسیون شناسایی و اجراء شود، باید وصف «خارجی» داشته باشد. ماده یک این کنوانسیون رأی را خارجی می‌داند که یا در کشوری غیر از کشور اجراء کننده صادر شده باشد یا توسط دادگاه اجراء کننده «غیر داخلی» در نظر گرفته شود. بنابراین کنوانسیون دو معیار سرزمینی و حکمی را برای خارجی بودن رأی ذکر می‌کند. پذیرش معیارهای مختلف مذکور همچنین در نظر گرفتن شرایط عادلانه‌ی توزیع بار اثبات و آسان ساختن شرایط اجرای رأی در کشورهای غیر محل صدور در این کنوانسیون، موجب محبوبیت آن در میان بیشتر کشورها شد.

تدوین و تحول قانونگذاری در خصوص مقررات مربوط به قوانین تجاری در ایران را می‌توان به کلیه عوامل مقطعی و بلند مدت و اهداف مربوط به ایجاد مکان داوری منطقه‌ای، نسبت داد و علاوه بر آن علت خاصی که می‌توان آن را مختص نظام حقوقی ایران دانست تأثیر و نفوذ افکاری نوین است که پس از انقلاب اسلامی در ایران حاکم شد و قوانین تجاری ایران برگرفته از قوانین آنسیترال است. در ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در سال ۱۳۷۶ وضع گردید. اما لازم بود ایران در صحنه بین‌المللی به صورت محل مناسبی برای برگزاری داوری‌های بین‌المللی و در زمره کشورهای مورد اطمینان و حامی داوری‌های بین‌المللی هم قرار گیرد. از این رو وضع و تعیین قواعدی برای چگونگی شناسایی و اجرای داوری صادره در خارج از ایران امری ضروری به نظر می‌رسید. کشور ایران نیز مناسب‌ترین راه را انتخاب نمود که همان الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک بود؛ که این مهم در سال ۱۳۸۱ انجام شد. به موجب این کنوانسیون نه تنها آرای داوری خارجی، امکان شناسایی و اجرا را در ایران می‌یابند، بلکه آرای داوری صادره در ایران نیز در سایر کشورها که عضو هستند، قابل اجراء می‌گردد. ایران همسو با تحولات قانونگذاری در دیگر نقاط جهان مقررات مربوط به داوری بین‌المللی خود را با الهام از قانون نمونه آنسیترال از طریق تدوین قانون داوری تجاری بین الملل ایران مصوب ۱۳۸۶ مدرنیزه کرده و با الحاق به کنوانسیون نیویورک، شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی مشمول این کنوانسیون را در ایران آسان نموده است. به بیان دیگر، به کارگیری بهترین ابزارهای حقوقی نوین، همسو با اقتضائات جهانی امروز، گامی فراخور سابقه تاریخی چند هزار ساله در این مرز و بوم در به کارگیری نهاد داوری در

حل و فصل اختلافات برداشته است. اما همچنان شیوه شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی که مشمول کنوانسیون نیویورک نیست، به دلیل سکوت قانونگذار در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در نتیجه یافتن راه حل اجرای این گونه آراء علاوه بر دکتین، بر عهده رویه قضایی ایران است که پایه‌های حقوقی را در باب داوری‌های بین‌المللی و خارجی برپا کند و در سکوت قوانین ملی و مقررات کنوانسیونی در خصوص نحوه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی که مشمول کنوانسیون نیویورک نیستند، آن را اندک اندک پی‌سازی کند و با ارائه مجموعه‌ای از احکام به تبیین خط سیری منطبق با اقتضائات زمان، قواعد محدود کننده و مضیق داخلی را به کنار بگذارد و قواعد مادی را که هدف آن ارتقاء کارائی داوری بین‌المللی است، بنیان نهد. با توجه به دو قانون اصلی اجرایی در این مورد در ایران (قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و کنوانسیون ۱۹۵۸) یکی از سوالاتی که مطرح می‌گردد این است که چه موانعی در راه شناسایی و اجرای احکام داوری تجاری خارجی در ایران وجود دارد؟ در ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ موارد امتناع از شناسایی یا موانع اجرای رأی به دو گروه تقسیم گردیده است. گروه اول موانعی هستند که طرفی که در مقابل اجرای رأی مقاومت می‌کند و متقاضی عدم اجرای آن می‌باشد به آنها استناد می‌کند که شامل دفاعیاتی مانند بی‌اعتباری موافقت‌نامه داوری، فقدان فرصت برای طرح دفاع یا دعوا، خارج از حدود اختیار عمل کردن داور، ترکیب نامنظم دیوان داوری یا آیین داوری، رأی باطل شده یا الزام‌آور نشده، می‌باشد. گروه دوم موانع یا ایراداتی هستند که دادگاه ممکن است خود راساً و بدون این که اثباتی یا حتی درخواستی از طرف متقاضی عدم شناسایی یا اجرای رأی لازم باشد، بدان-ها توجه نموده و از شناسایی و اجرای رأی امتناع نماید. از جمله وقتی که موضوع اختلاف طبق قوانین آن کشور نباید از طریق داوری حل و فصل شود و یا زمانی که شناسایی یا اجرای رأی با نظم عمومی آن کشور مغایر باشد.

۲- رأی داوری

رأی داور نتیجه رسیدگی داوری است. تعریفی از رأی در قوانین و اسناد بین‌المللی نیامده است. در متن پیش‌نویس آنسیترال، تعریفی از آن شده بود. اما به دلیل اختلاف نظر شدید، در متن نهایی نیامد. در کنوانسیون نیویورک هم تعریف ارائه نشده است. گروه کاری ICC هم که در دهه ۹۰ تحقیق جامعی را در خصوص داوری انجام داد، تعریفی ارائه نکرده است. قواعد سازمان-های مهم داوری هم فاقد تعریفی از داوری است. با این حال، این تصمیم داور باید از سایر تصمیمات وی متمایز گردد. زیرا آثار مهم بر آن مترتب است: رأی داور به دعوا فیصله می‌دهد و از اعتبار امر مختومه برخوردار است، یعنی واجد خصیصه قضایی است. رأی داور الزام آور است. همچنین تنها رأی داوری، به مفهوم دقیق و اخص آن، است که می‌تواند موضوع ابطال نزد مراجع دولتی قرار گیرد. ضمن آنکه تنها رأی داوری به مفهوم دقیق است که می‌تواند از تسهیلات اجرایی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی برخوردار شود. از این گذشته، رأی داوری در چارچوب قواعد برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر ICC واجد آثار مهمی است. برای مثال ماده ۲۰ قانون داوری این سازمان مقرر می‌دارد که پیش نویس رأی داوری برای بررسی باید به دیوان بین‌المللی آی سی سی تسلیم شود (این کنترل شکلی است، ولی اگر احساس شود که نکته ماهوی هم جا افتاده است به داور تذکر داده می‌شود). البته این اثر منحصر به آی سی سی است و سایر سازمان‌ها چنین نظارتی را اعمال نمی‌کنند.

در هر حال به نظر می‌رسد که تعریف دکتین فرانسه جامع است و تعریفی مشابه با آن را دادگاه تجدیدنظر پاریس ارائه داده است. براساس این تعریف، «رأی داوری می‌تواند به عملی گفته شود که به گونه‌ای قطعی، به کل یا بخشی از اختلاف ارجاعی خاتمه دهد، اعم از اینکه این اختلاف راجع به ماهیت، صلاحیت یا مسأله‌ای شکلی باشد، و در هر به ترتیبی به خاتمه رسیدگی منجر شود». دادگاه تجدیدنظر پاریس هم در ۲۵ مارس ۱۹۹۴ در دعوی موسوم به سارد^۱، گفته است که اعمال و اقدامات داور را که به صورت قطعی و به طور کلی یا جزئی، دعوی را که به آن ارجاع شده است، فیصله می‌دهد، خواه راجع به ماهیت یا صلاحیت یا مسأله‌ای شکلی باشد که آنها را به سوی خاتمه دعوا رهنمون شود، رأی نام دارد (واحدی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۰).

¹ - Sardisud

۳- موانع اجرای آرای داوری های خارجی در ایران

مواردی که مانع اجرای آرای داوری های بین المللی می شوند را می توان به هفت دسته تقسیم کرد:

اول: موانع قابل ابطال. دوم: موانع باطل کننده. سوم: موارد غیر قابل ارجاع به داوری. چهارم: مواردی که داوری از بین می رود. پنجم: آراء مخالف با قوانین موجد حق. ششم: هم تبعه بودن. هفتم: موارد مخالف اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی.

۳-۱- موانع قابل ابطال

این موانع که در مقررات مختلف آمده اند کلاً در ماده ۳۳ لایحه داوری تجارت بین المللی جمع آمده اند، این ماده به شرط تصویب نهایی مقرر می دارد که رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ (شعبه ۱ دادگاه عمومی مرکز استان) قابل ابطال است:

(۱) یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

(۲) موافقت نامه داوری به موجب قانون حاکم معتبر نباشد و یا در صورت سکوت قانون حاکم مخالف صریح قوانین ایران باشد.

(۳) مقررات مربوط به ابلاغ اظهاریه های تعیین داور، یا درخواست داوری رعایت نشده باشد.

(۴) درخواست کننده ابطال بدیهی که خارج از اختیار او بوده موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

(۵) داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد.

(۶) ترکیب هیأت داوری یا آیین دادرسی مخالف مقررات نامه داوری یا قوانین آیین دادرسی حاکم باشد.

(۷) قرارداد داوری مشتمل بر نظر موافق یا موثر داور جرح شده باشد.

(۸) رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

(۹) پس از صدور رأی داوری، مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت درخواست کننده ابطال بود و ثابت شود که آن مدارک مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است (جنیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۷).

۳-۲- موارد ابطال رأی

ماده ۳۴ لایحه داوری تجاری بین المللی همانند ماده ۶۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی در موارد زیر رأی داور یا هیأت داوری را اساساً باطل و غیر قابل اجراء می داند:

۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد (ماده ۶۷۵ قانون آ. د. م نیز بر این امر تصریح دارد).

۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد. (ماده ۶۷۵ آ. د. م نیز این امر را پذیرفته است).

۳- رأی داوری در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران بوده و یا با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی که از اعتبار نیفتاده است معارض باشد. مگر اینکه در مورد اخیر داور حق سازش داشته است (همان منبع، ص ۳۸).

۳-۳- مواردی که موضوع قابل ارجاع به داوری نیست

ماده ۶۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی دو نوع دعوی را قابل ارجاع به داوری نمی‌داند:

۱- دعوی ورشکستگی.

۲- دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب.

۳-۴- مواردی که داوری از بین می‌رود

ماده ۶۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی در دو مورد مقرر می‌دارد که داوری از بین می‌رود:

۱- در صورت تراضی کتبی طرفین.

۲- در صورت فوت یا محجوز شدن یکی از طرفین.

۳-۵- آراء مخالف با قوانین موجد حق

ماده ۶۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که رأی داور یا هیأت داوری نباید مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۳-۶- هم تبعه بودن

ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که در مورد معاملات واقع بین اتباع ایران اتباع خارجه، طرف ایرانی نمی‌تواند مادام که اختلاف تولید نشده است و به نحوی از انحاء مستلزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری یک یا چند نفر و یا به داوری هیأتی رجوع نمایند که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیأت دارای همان تابعیتی باشد که طرف معامله دارد و در هر قراردادی که مخالف این حکم باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بالاثراست. این در صورتی است که در بقیه موارد داوری از قبل از اختلاف پیش بینی داور یا داوران بلامانع است (میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۷۸).

۳-۷- موارد اختلاف اصل یکصد و سی و نهم

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. بنابراین ارجاع دعاوی راجع به اموال که طرف دعوی خارجی باشد باید به تصویب مجلس نیز برسد.

در مورد اجرای اسناد احکام و آرای خارجی در حقوق ایران سه ماده قانونی وجود دارد که هر سه حکم واحد را اعلام نموده‌اند:

اول: ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد که اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء می‌باشند.

دوم: ماده ۱۷۸ همان قانون نیز پیش‌بینی نموده است که احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذاشته شوند.

سوم: در لایحه داورهای تجاری بین‌المللی نیز مطلب جدیدی برای اجرای آرای داورهای پیش‌بینی نشده است و در ماده ۳۵ خود مقرر نموده است که آرای داور که مطابق این قانون صادر شود، قطعی و لازم الاجراء است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ (شعبه یک دادگاه عمومی مرکز استان) براساس ترتیبات اجرای احکام دادگاه‌ها به مورد اجراء گذاشته می‌شوند. بنابراین با عنایت به اجتماع حکم هر سه ماده فوق آرای داورهای خارجی مانند احکام مدنی داخلی در ایران قابل اجراء می‌باشند.

در حقوق بین‌الملل ایران در مورد اجرای آرای داوری‌های خارجی در ایران به سه سند بین‌المللی می‌توان دسترسی پیدا کرد.

اول: عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی ایران - آمریکا مصوب ۱۳۳۶:

بند ۳ ماده ۳ این عهدنامه مقرر می‌دارد که از حل و فصل خصوصی اختلافاتی که جنبه حقوقی داشته و مربوط به اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین متعاهدین باشد در قلمرو و طرف متعاهد دیگر جلوگیری نخواهد شد و در مواردی که حل و فصل مزبور از طریق حکمیت و داوری به عمل آراء نه بیگانگی حکم‌ها و داورها و نه خارج بودن عمل وقوع حکمیت به خودی خود مانع اجرای آرا صادره از حکمیت نخواهد شد. بنابراین براساس این بند لزومی ندارد که داور از کشورهای متعاهدین باشد و نه لزومی دارد در یکی از کشورهای متعاهدین باشد نه لزومی دارد محل داوری در یکی از کشورهای متعاهدین باشد، پس هر رأی داوری خارجی و با داور یا داوران با هر تابعیتی مشمول این بند خواهد بود (زند، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

دوم: پروتکل تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری ایران و آمریکا مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۶:

بند ۸ این پروتکل موانع اجرای رأی داوری را همان موانع مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی می‌داند (که قبلاً عرض شده است).

سوم: ماده ۲ بیانیه اصلی دولت جمهوری اسلامی دموکراتیک و مردمی الجزایر و بیانیه دوم یا بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک الجزایر:

درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹، نحوه شناسایی و اجرای احکام صادره را براساس مقررات آن بیانیه و مقررات اصلاح شده داوری ۱۹۷۶ آنستیرال (کمیسون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد) دانسته‌اند، زیر براساس این توافق مقررات شکلی حاکم بر این دیوان داوری بیانیه مقررات مدلی ۱۹۷۶ آنستیرال می‌باشد و نحوه اجراء آراء صادره از دیوان نیز تابع مقررات آن بیانیه و مقررات اصلاح شده آنستیرال شده است.

با عنایت به نقش حیاتی تجارت و حقوق تجارت بین‌المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها و با توجه به نقش غیرقابل انکار و حیاتی حقوق داوری‌های بین‌المللی در آن رشته، خصوصاً قسمت اجرای آرای داوری‌های خارجی در یک کشور که ایجاد اطمینان ذهنی در بین تجار کشورهای دیگر برای انجام مراودات و مبادلات تجاری یا کشوری و یا بازرگانان کشور می‌نماید و با در نظر گرفتن این نکته که حقوق ایران فاقد مقررات مدون پیش‌بینی شده در این زمینه است و توسل به مقررات متفرقه تفسیری زمینه را برای ایجاد یک روش متحدالشکل را به وجود نمی‌آورد و خصوصاً با عنایت به این نکته که این مقررات غالباً در رابطه با اجرای اسناد و احکام خارجی است که دارای پیچیدگی‌ها و سخت‌گیری‌های خاص خودشان می‌باشند (در حالی که داوری‌ها هم خودشان و هم اجراء آنان به نرمش و خضوع حقوقی بیشتری است) (همان منبع، ص ۵۷).

۴- موانع اجرای احکام داوری خارجی در ایران از لحاظ شکلی و ماهوی

گاهی اوقات برخی موانع به وجود می‌آید که احکام صادره از محاکم خارجی قابلیت اجرای حکم را ندارند. به عبارتی ممکن است این موانع اجراء حتی بعد از شناسایی حکم صادره باشد. یعنی اصولاً موانع اجراء احکام به طور عمده پس از شناسایی حکم مطرح می‌شود. زیرا تا زمانی که حکمی شناسایی نشود بحث اجرای آن مطرح نیست که در صورت نبود بعضی از شرایط اجرای حکم، بحث موانع اجراء مطرح شود. در این بخش ما موانع اجرای احکام را به ۲ دسته موانع ماهوی اجرای احکام خارجی و موانع شکلی اجرای احکام خارجی تقسیم کرده‌ایم سپس به وضعیت احکامی که در رابطه با امور حسبی و جزایی هستند می‌پردازیم.

۴-۱-۱- موانع شکلی

به طور عمده موانع شکلی به هفت دسته تقسیم می‌گردد. به عبارت دیگر در صورت وجود مواردی که خواهد آمد، احکام خارجی قابلیت اجراء ندارند و در صورتی که موارد هفت‌گانه مفقود باشد موردی برای عدم اجرای احکام خارجی باقی نخواهد ماند. موانع به ترتیب ذیل عبارتند از:

۴-۱-۱-۱= نامنظم بودن رسیدگی و عدم رعایت اولیه دادرسی و سلب حق دفاع

به طور عمده حتی در حقوق داخلی و مراجع قضایی داخلی دادرسی نامنظم و رعایت نشدن اصول دادرسی سبب بی اعتباری حکم می‌باشد (شکری، ۱۳۹۲، ص ۳۷). عدم رعایت این موازین در حکم سلب حق دفاع از مدعی علیه تلقی می‌گردد و در واقع اصول دادرسی که متفاوت از تشریفات دادرسی است، موجب می‌شود. حکم صادره، اگرچه ممکن است در کشور محل صدور قابلیت اجراء داشته باشد، اما اثر برون مرزی نخواهد داشت. نمود عینی این مورد در مواد ۴۴ تا ۵۱ قانون موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه در پرونده‌های مدنی و جزایی آمده است که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است. بند ۱ ماده ۵۰ این موافقت‌نامه یکی از موارد امتناع از اجرای حکم دادگاه خارجی را موردی می‌داند که خواننده به دلیل عدم تحویل به موقع یا به طور مناسب احضاریه دادگاه، نتوانسته باشد در محاکمه شرکت کند و حق دفاع هر چند به طور ناخواسته (به طرق اولی به صورت خواسته) از وی سلب شده است.

۴-۱-۲- مطرح بودن همان دعوا در محکمه‌ی ایرانی

این شرط در حوزه داخلی یک از مواردی است که خواننده می‌تواند دعوای خواهان را در رسیدگی دچار اشکال کند. در بند ۲ م ۸۴ ق. آ دادرسی مدنی نیز متبلور شده است. در خصوص اجرای احکام خارجی باید گفت که به موجب قسمت اخیر ماده ۹۷۱ ق.م. که می‌گوید: «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محل خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود، مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایران نخواهد بود». در این صورت صرف طرح دعوا در محکمه ایرانی، مانع صدور دستور اجرای حکم خارجی خواهد شد (گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹).

۴-۱-۳- حکم خارجی با مقررات عهود بین الملل که ایران عضو آن است مغایر باشد

این امر که در بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران نیز بدان تصریح شده مبین این امر است که اگر حکمی خارجی صادر شد و در ایران حقی شناسایی شد، ولی مفاد آن در صورت اجراء با مقررات حقوقی‌ای که ایران در سطح بین‌المللی بدان پیوسته مغایر باشد از موانع اجراء حکم به شمار می‌رود. به طور کلی طبق ماده ۹ ق.م. مقررات عمومی که بر طبق قانون اساسی بین ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون داخل است. بنابراین مغایر حکم خارجی با مقررات اینگونه عهدنامه‌ها به معنی مغایر با قوانین داخلی ایران است و حکم خارجی در این مورد اجراء نمی‌شود (همان منبع، ص ۱۴۰).

۴-۱-۴- حکم صادره از دادگاه خارجی اعتبار خود را از دست داده باشد

بنابراین مورد اگر حکمی که در خارج صادر شده اما به هر علت اعتبار خود را از دست داده باشد، حتی اگر شناسایی شود باز هم قابل اجراء نیست. این امر در قسمت اخیر بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز تصریح شده است. اما برای تحلیل اعتبار حکم باید حکم معتبر را مورد تحلیل قرار دهیم. حکم معتبر حکمی است که بر طبق قانونی که بر آن حکومت می‌کند به وجود آمده و تمام شرایط که مطابق قانون محل برای تشکیل آن لازم است رعایت شده و معتبر باقی بماند. مثلاً؛ اگر حکمی در حوزه قواعد حقوق تجارت صادر شود با توجه به اینکه مرور زمان در حوزه حقوق تجارت به قوت خود باقی است، اگر حکم دچار مرور زمان تجاری شود، دیگر این حکم قابلیت اجراء ندارد (همتی کلوان، ۱۳۹۸، ص ۸۹).

۴-۱-۵- حکم مخالف حکم خارجی در یکی از دادگاه‌های ایران صادر شود

این مورد نیز از موانع اجرای حکم خارجی در ایران است، که در بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مورد تصریح قرار گرفته است. صرف صدور حکم مغایر حکم خارجی در ایران قبل از صدور حکم خارجی و لو اینکه اجراییه در مورد آن صادر نشده باشد، مانع اجرای حکم خارجی خواهد بود (مردانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹). چنین حکمی حتی در قوانین داخلی مثل قانون آیین دادرسی مدنی در بند ۴ ماده ۴۲۲ موجه نبوده و از موارد اعاده دادرسی است که نهایتاً موجب نقض یکی از احکام خواهد بود.

۴-۱-۶- رسیدگی به موضوع دعوا مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران داشته باشد

این امر مورد تصریح بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار گرفته است. در این قسمت صلاحیت دادگاه خارجی را مطابق قوانین ایران می‌سنجد که اکثر صلاحیت با دادگاه خارجی می‌باشد مشکلی به وجود نمی‌آید. اما اگر طبق قوانین ایران رسیدگی به دعوی در صلاحیت خاص دادگاه‌های ایران باشد، حکم خارجی قابل اجراء نیست. مثل ماده ۳۵۵ قانون امور حسبی که می‌گوید رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران در صلاحیت دادگاه ایران است (همان منبع، ص ۱۵۰).

۴-۲- موانع ماهوی اجرای حکم خارجی

با توجه به اینکه احراز مفاد حکم بر عهده قاضی صادر کننده دستور اجراء است، این امر مستلزم آن است که دادگاه در خصوص ماهیت حکم اظهار نظر کند و در صورت وجود شرایطی که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت دستور به عدم اجرا حکم داده می‌شود، ولو اینکه حکم شناسایی شود. موانع اجرای ماهوی عبارتند از:

۴-۲-۱- مباینت با نظم عمومی

هرگاه اجرای حکم صادره از محکمه خارجی به نظم عمومی کشور محل اجراء خدشه وارد آورد به عنوان یک قاعده مسلم حقوقی چنین حکمی را نمی‌تواند مورد اجراء قرار داد. دکتر شکری معتقد است که در صورت موجود بودن این فرض حکم خارجی حتی قابل شناسایی نیست (شکری، ۱۳۹۲، ص ۳۸). بعضی از حقوقدانان با این تعبیر مخالف است. زیرا اجرای حکم در مرحله اثرگذاری حق قرار گرفته است نه ایجاد حق. لذا اینجا اثر خفیف نظم عمومی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد و در مرحله ایجاد حق است که ما با اثر شدید رو به رو بشویم. این شرط هم در بند ۲ ماده ۱۶۹ ق.ا.م. و ماده ۹۷۲ ق.م. و ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی مورد تصریح قرار گرفته است. مفهوم نظم عمومی از قرن ۱۹ میلادی به بعد مورد توجه واقع گردید، زیرا در این قرن بود که تدوین قوانین در اغلب کشورهای اروپایی موجب تشدید اختلاف میان قوانین و حقوق کشورها گردید و موارد استناد به نظم عمومی را افزایش داد. رویه قضایی فرانسه از قرن ۱۹ در مواردی مثل طلاق بیگانگان پیش از سال ۱۸۸۴ و اثبات نسب نامشروع قبل از سال ۱۹۱۲ نظم عمومی را مورد توجه قرار داده و به استناد آن از اجرای قانون خارجی خودداری کرده است. ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران از ماده ۳۰ قانون مدنی آلمان، ماده ۲۱ قانون مدنی ایتالیا نیز به نظم عمومی تصریح کرده (الماسی، ۱۳۶۹، ص ۶۷). اما مفهوم نظم عمومی در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی متفاوت است.

نظم عمومی در حقوق داخلی: در حقوق داخلی نظم عمومی شامل سازمان‌ها و قواعدی است که غرض از آنها حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور و حفظ خانواده است و اراده افراد ناقض این امر نیست. به سخن دیگر نظم عمومی شامل قواعد امری است.

نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی یا نظم عمومی به معنای محدود: نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌تواند به معنای عام رعایت همه قواعد امری کشورها باشد. در واقع منظور از نظم عمومی در روابط بین‌المللی مجموع سازمان‌ها قواعدی است که آن چنان به اصول تمدن و نظام حقوقی یک کشور بستگی دارد که دادگاه‌های آن کشور ناچارند رعایت آنها را بر اجرای قانون خارجی مقدم شمارند. عدم تباین حکم با نظم عمومی کشور محل اجراء در همه کشورهای وجود دارد. اما دایره

شمول نظم عمومی در امکان و ازمنه متفاوت است. مفهوم نظم عمومی یک مفهوم نسبی است و در هر کشور معنی خاص خود را دارد. امروزه دیگر نظم عمومی ابهت گذشته خود را از دست داده و مفهوم آن تعدیل شده مثلاً در بند ۵ ماده ۱۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه از اصطلاح نظم عمومی داخلی عدول شده و به نظم عمومی بین‌المللی استفاده شده است (خزاعی، ۱۳۷۱، ص ۵۳). لذا از قلمرو نظم عمومی کاسته شده است. پس در فرانسه حکمی که مخالف نظم عمومی داخلی باشد، اما با نظم عمومی بین‌المللی مابینتی نداشته باشد، قابل اجرا است. به هر حال انطباق حکم خارجی با نظم عمومی کشور محل اجراء، از جمله شروطی است که در قوانین تمام کشورها برای اجرای حکم وجود دارد (همان منبع، ص ۵۴).

۴-۲-۲- تقلب در تحصیل رأی

یکی دیگر از موانع اجرای حکم صادر شده از محکمه‌ی خارجی، تقلب در تحصیل رأی است. این امر حتی در حقوق داخلی نیز ریشه دارد و بنا بر بندهای ۵ و ۶ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی از موجبات اعاده دادرسی حيله و تقلب طرف مقابل است. البته شرط این اعاده این است که این حيله و تقلب در حکم دادگاه موثر بوده است. همچنین است موردی که حکم دادگاه مستند به اسنادی باشد که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد اما مفهوم تقلب در سطح بین‌المللی به چه معناست؟ تغییر ارادی بعضی عناصر ارتباط توسط راه‌های قانونی به قصد فرار و نادیده گرفتن قانون صالح که به صورت عادی بر او اعمال می‌شود و استفاده از صلاحیت یک حوزه قضایی پر منفعت‌تر برای کسب اهداف خاص خود بحث تقلب نسبت به قانون در فرانسه برای اولین بار در قرن ۱۹ مطرح شد. خانم دو بوفرمن که دارای تابعیت فرانسوی بود و با مرد فرانسوی ازدواج کرده بود خواستار طلاق در فرانسه و طلاق تحصیل تابعیت آلمانی بود و خواستار ازدواج در برلین با مرد رومانیایی بوده که عدم اعتبار رأی در فرانسه تأیید شد. حال سوال این است که در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا، موضوع رسیدگی به تقلب از جمله طرق فوق‌العاده شکایت از احکام قطعی است، آیا باید در اجرای حکم خارجی، مدعی تقلب در تحصیل رأی را برای اعاده دادرسی به کشور صادر کننده حکم دلالت کرد یا آنکه در مرحله اجرای حکم هم می‌توان به محکوم علیه امکان طرح شکایتی را اعطاء کرد؟ برخی نویسندگان حقوقی معتقدند که از آنجا که در چنین مواردی اعاده دادرسی در کشور محل صدور رأی فراهم است مناسب است که دادگاه صادر کننده دستور اجرای وارد رسیدگی به مسأله تقلب در تحصیل رأی نشود و تا هنگامی که به این موضوع مطابق مقررات قانون کشوری محل صدور رأی رسیدگی نشده، اصل اعتبار مستندات حکم را جاری نماید. در مقابل رویه قضایی بسیاری از کشورها بر این نظریه تمایل دارد که دادگاه محل صدور دستور اجراء به ادعای تقلب رسیدگی کرده و در صورت احراز مجعول بودن مستندات تا تشبث به سایر وسایل متقلبانه به از اجرای حکم امتناع نماید (نیکبخت، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

۴-۲-۳- حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن باشد

این شرط از جمله موانع اجرای احکام خارجی است. از مصادیق بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی می‌باشد. همانطور که در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر شده است که دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق و ... در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول رسیدگی می‌شود. بالطبع اگر مال غیر منقول در ایران باشد، حکم خارجی نسبت به آن بلااثر است. البته امروزه دیگر بحث سیاست‌های حمایتی از اموال غیرمنقول قداست خود را از دست داده است و این اموال و حقوق ناشیه از آن ارجحیتی بر سایر اموال ندارد. زیرا ذائقه مالکیت تغییر کرده و وجود اتومبیل‌ها و ویلاهای مدرن کم از سایر اموال غیرمنقول ندارد (گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۹).

۵- موانع اجرای رأی داوری در آنستیرال

در این مبحث به طور خلاصه به موانعی که در راه اجرای احکام وجود دارد می‌پردازیم:

۵-۱- عدم رعایت شرایط دادرسی

در هر رسیدگی باید قواعد و مقررات و آیین دادرسی مربوطه رعایت شود منجمله ابلاغ دادخواست چه به صورت واقعی یا قانونی، دادرسی بی طرفانه تبادل لوایح، برقراری جلسات منظم دادرسی، بررسی دقیق دفاعیات و مستندات طرفین که عدم رعایت این موازین در حکم سلب حق دفاع از مدعی علیه تلقی شده و رأی صادره حتی اگر از سایر جهات معتبر بوده و در کشور محل صدور قابلیت اجراء داشته باشد، دارای تأثیر برون مرزی نخواهد بود.

به عنوان مثال بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ ناظر به همین موضوع است «د- در صورتی که از اصول اساسی آیین دادرسی ترک (نقض) شده باشد. ه- در صورتی که دلائل مبنای صدور حکم بیان نشده باشد».

۵-۲- مغایرت با نظم عمومی

تعریف نظم عمومی در ازمنه و امکنه و امصار متفاوت است، در یک کشور تشکیلات و سازمان‌های مختلف معمولاً هم آهنگ تدارک دیده شده و مقام قانونگذار علی القاعده در در تصویب هر قانون تمام ابعاد موضوع را در نظر می‌گیرد، قانونی وضع می‌کند مه در آن جامعه متجانس شناخته شود و محیط برای اجرای آن مساعد باشد، قوه قانونگذار از خود همان جامعه است و با موازین دینی، اخلاقی، سوابق تاریخی ریشه‌های قومی و نژادی ارگان‌های عمومی آشنایی کامل دارد، وضع قانون طی مراحل صورت می‌گیرد. بنابراین هرگاه اجرای حکم صادره از محاکمه خارجی خللی به نظم عمومی کشور محل اجراء وارد کند به عنوان یک قاعده مسلم حقوقی چنین حکمی را نمی‌توان مورد شناسایی و اجراء قرار داد.

قسمت ۲ بند (ب) ماده ۳۴ قانون نمونه درباره داوری تجاری بین‌المللی (آنسیترال) به مغایرت حکم با نظم عمومی به عنوان یکی از دلایل ابطال، که به منزله تنها راه اعتراض به رأی تلقی شده است، اشاره کرده است. قسمت (ب) بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک نیز به مغایرت حکم با نظم عمومی به عنوان یکی از دلایل رد تقاضای شناسایی و اجرای حکم تصریح کرده است (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

۵-۳- تعارض آرای صادره

فقدان قواعد و مقررات واحد در زمینه صلاحیت در میان کشورهای مختلف امکان واجد صلاحیت بودن دادگاه‌های دو کشور نسبت به موضوع واحد وجود دارد و در نتیجه ممکن است دعوی واحد در دو کشور مختلف طرح شده و منتهی به صدور احکام معارض گردد.

بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند که محاکم در مواجهه با چنین آرای همچون قوانین مصوب در موضوع واحد عمل نمایند. یعنی با وجود قانون لاحق قانون سابق نسخ می‌شود با صدور حکم لاحق حمن سابق نسخ می‌شود ولی این نظریه از لحاظ حقوقی قابل دفاع نیست.

ماده ۳۷۶ ق.آ.د.م جدید در خصوص آرای مغایر صادره در موضوع واحد بیان می‌دارد: «چنانچه در موضوع یک دعوا آرای مغایری صادر شده باشد بدون این که طرفین یا صورت اختلاف تغییر نماید و یا به سبب تجدیدنظر یا اعاده دادرسی رأی دادگاه نقض شود، رأی موخر بی اعتبار بوده و به درخواست ذی نفع بی اعتباری آن اعلام می‌گردد. همچنین رأی اول در صورت مخالفت با قانون نقض خواهد شد، اعم از این که آرای یاد شده از یک دادگاه یا دادگاه‌های متعدد صادر شده باشد» (همان منبع، ص ۱۰۲).

اما در سطح بین‌المللی چون احکام صادره براساس قواعد و مقررات و حاکمیت دول مختلف می‌باشد و اجرای هریک از احکام متعارض به منزله ترجیح یکی از دو حاکمیت خارج می‌باشد. لذا به نظر بهترین راه حل می‌تواند این باشد که از اجرای هر دو حکم متعارض امتناع شود.

۵-۴- تقاضای ابطال رأی

یکی از موارد موانع اجرای رأی داوری تقاضای ابطال آن می‌باشد. این اصل و قاعده که رأی داوری قطعی است و قاطع دعوی می‌باشد بایستی مبتنی بر اجرای صحیح مفاد توافقنامه داوری، صدور رأی بر طبق اصول و قواعد حقوقی و منطقی که رأی متکی به آن و عملکرد صحیح داوران، رعایت موازین دقیق حقوقی باشد، در غیر این صورت رأی داوری قابل ابطال خواهد بود.

در بند ۴ ماده ۳۴ قانون آنسیترال آمده است: «دادگاه می‌توند در مواردی که از او تقاضای ابطال رأی داوری شده، در صورت اقتضاء و درخواست یکی از طرفین به منظور ایجاد فرصت برای دیوان داوری جهت از سرگیری رسیدگی یا سایر اقدامات مشابه که به نظر دیوان داوری دلایل ابطال را منتفی می‌سازد، رسیدگی به تقاضای مذکور را برای مدتی که خود تعیین می‌کند، معلق نماید». در خصوص موضوع باید بین مفاهیم بطلان و قابلیت ابطال که گاهی از آنها به بطلان مطلق و نسبی یاد می‌شود باید تمایز قائل شد.

در بطلان نسبی (قابلیت ابطال) تنها کسی که بطلان برای حمایت از منافع او است، حق درخواست ابطال رأی را دارد. در حالی که در ابطال مطلق هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال رأی را از دادگاه بخواهد و دادگاه از پیش خود نیز می‌تواند از اجرای آن خودداری کند.

بطلان مطلق عل‌الاصول نباید محتاج حکم دادگاه باشد، تنها چون به صورت ظاهر یک رأی داوری وجود دارد و اساساً برای اثبات خلاف این ظاهر است که «بطلان» عنوان می‌شود، ناچار دادگاه باید بطلان رأی را اعلام و به اختلاف پایان دهد.

در ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز موارد درخواست ابطال رأی داوری احصاء شده است. و موارد بطلان رأی و غیرقابل اجراء بودن آن در ماده ۳۴ قانون داوری بیان شده است (حسین آبادی، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

عمدتاً مواردی که در بررسی رویه قضائی بین‌المللی برای ابطال و بطلان رأی داوری تأکید می‌شود. از جمله می‌توان فقدان اهلیت طرفین، عدم رعایت آیین رسیدگی داوری، صدور رأی خارج از حدود اختیارات داور، مفاد رأی مخالف با قواعد آمره و نظم عمومی کشور محل صدور یا اجرای رأی را نام برد.

کنوانسیون شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی نیویورک ۱۹۸۵ در قسمت (ج) بند ۱ ماده ۵ موضوع تجاوز از حدود و اختیارات را به این ترتیب بیان کرده است:

۱- درخواست شناسایی و اجرای حکم داوری فقط در صورتی می‌تواند به تقاضای کسی که علیه او به حکم استناد شده رد شود که طرف مذکور نزد مرجع صالح محلی که در آنجا تقاضای شناسایی و اجرای حکم شده است، دلایل و مدارک مثبت‌های ارائه دهد مبنی بر این که:

الف) طرفین موافقنامه داوری ... به جهتی فاقد اهلیت بوده.

ب) تعیین داور یا جریان رسیدگی داوری به طرفی که علیه وی به حکم استناد شده، درست ابلاغ نگردیده.

ج) حکم داوری مربوط به اختلافی باشد که نظر به ارجاع آن به داوری نبوده یا داخل در موضوع ارجاع به داوری نیست.

د) نحوه تشکیل موجد داوری یا تشریفات داوری منطبق با توافق طرفین نبوده یا

ه) حکم داوری هنوز نسبت به طرفین لازم‌الاجراء نشده یا این که مرجع صالح کشوری که حکم در قلمرو آن یا موجب قوانین آن صادر شده، ابطال یا معلق گردیده است.

طبق ماده ۵۲ کنوانسیون حل و اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری... واشنگتن ۱۹۶۵ درخواست ابطال رأی داور می‌تواند به استناد یک یا چند مورد از موارد زیر به عمل آید:

(الف) دیوان داور صحیحاً تشکیل نشده باشد

(ب) دیوان آشکار از اختیارات خود تجاوز کرده باشد.

(ج) یکی از اعضای دیوان رشوه گرفته باشد.

(د) یکی از قواعد اساسی مربوط به آیین دادرسی نقض شده باشد.

(ه) در صورتی که دلایل مبنای رأی نشده باشد.

درخواست ابطال رأی باید ظرف ۱۲۰ روز پس از صدور، یا در صورت وقوع رشوه پس از ۱۲۰ روز بعد از کف آن و به هرحال ظرف سه سال به عمل آید.

بدیهی است درخواست ابطال رأی به دیوانی که آن را صادر کرده است، تسلیم نمی‌شود، بلکه توسط یک کمیته سه نفره خاص که اعضای آن به وسیله شورای داور مرکز حل اختلافات ناشی سرمایه‌گذار و از میان گروه داوران مرکز منصوب می‌شوند، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (رنه دایوید، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

۶. نتیجه گیری

با عنایت به نقش حیاتی تجارت و حقوق تجارت بین‌المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها، و با توجه به نقش غیرقابل انکار و حیاتی حقوق داورهای بین‌المللی در آن رشته، خصوصاً قسمت اجرای آرای داورهای خارجی در یک کشور، که ایجاد اطمینان ذهنی در بین تجار کشورهای دیگر برای انجام مراودات و مبادلات تجاری یا کشوری و یا بازرگانان کشوری، می‌نماید و با در نظر گرفتن این نکته که حقوق ایران فاقد مقررات مدون و پیش‌بینی شده در این زمینه است و توسل به مقررات متفرقه تفسیری، زمینه را برای ایجاد یک روش متحدالشکل را به وجود نمی‌آورد، و خصوصاً با عنایت به این نکته که این مقررات غالباً در رابطه با اجرای اسناد و احکام خارجی است که دارای پیچیدگی‌ها و سخت‌گیری‌های خودشان می‌باشند (در حالی که داورهای هم خودشان و هم اجراء آنان نیاز به نرمش و خضوع بیشتری است)،

در حقوق ایران اجرای رأی داور خارجی، یعنی رأیی که طبق قانون داخلی کشور معین صادر شده است، مشکلی ایجاد نمی‌کند. در صورت رعایت موارد مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه عمومی اقدام به صدور برگ اجرایی می‌نماید. باید تذکر داد که بند یک این ماده اجرای حکم خارجی را منحصر به کشورهای نموده است که با ایران معامله متقابل در خصوص اجرای احکام داشته باشند. بنابراین، این بند از ماده دامنه شمول احکام خارجی را محدود کرده است. قواعد داور آنسیترا ل به منظور تنظیم حل و فصل اختلافات از جمله اختلافات میان طرفین خصوصی یک معامله تجاری بدون آن که به یک نهاد داور ارجاع شده باشد، اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت، اختلافات ارجاع شده به نهادهای داور و همچنین اختلافات میان دولت‌ها مانند دیوان داور دعاوی ایران و آمریکا که با تغییرات لازم در قواعد آن که توسط دیوان داده شده آیین دادرسی آن دیوان را تشکیل می‌دهد، به کار گرفته می‌شود. در خصوص آرای داور بین‌المللی، یعنی آرای که به نام دولت خاص طبق مقررات داخلی کشوری خاص صادر نمی‌شود، اجرای رأی با مشکل مواجه می‌شود. این نوع آراء تابع معاهدات بین‌المللی، خصوصاً معاهده ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ نیویورک است که دولت ایران به آن ملحق نشده است تا رعایت مقررات آن لازم الاجراء باشد. در سال ۱۹۵۸ هنگامی که کنوانسیون نیویورک تهیه و تنظیم شد، تجارت بین‌الملل شکل و ابعاد ابتدایی‌تری داشت. در این بین حدود ۶۰ سال از تصویب کنوانسیون می‌گذرد. این امر به این معنا است که متن کنوانسیون تا حدودی

قدیمی شده و دیگر دربرگیرنده همه ضرورت‌ها و نیازهای حقوقی تجارت بین‌الملل مدرن نیست. اما گذشت ۶۰ سال هم زمان به معنای شکل‌گیری یک سنت حقوقی طولانی بر مبنای کنوانسیون نیویورک است. اکثر کشورهای جهان در این بین کنوانسیون نیویورک را پذیرفته‌اند، هزاران تحلیل و نظر درباره مواد کنوانسیون و پرونده‌های مرتبط با آن منتشر شده است. کنوانسیون نیویورک همان طور که عنوانش صراحت دارد کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری است، نه سنگ اندازی و مانع تراشی. گرچه ماده ۵ کنوانسیون حاوی جهاتی برای رد شناسایی و اجرا است، گرچه برخی بخش‌های این ماده مبهم هستند و راه را برای تفسیر موسع و حتی سوءاستفاده باز می‌گذارند، اما طبق عرف حقوقی شکل گرفته در دهه‌های اخیر اغلب دادگاه‌ها به تفسیر مضیق و محدود گرایش دارند. قضات روح و هدف کنوانسیون را دریافته و در راستای شناسایی و اجرای آرای داوری تلاش می‌کنند. آنها با ارجحیت دادن به خواست و اراده طرفین و با احترام به اختیارات داوران و عدم ورود به ماهیت آرای داوری دخالت قوانین ملی در امر داوری را به حداقل رسانده‌اند. قضات اغلب تنها زمانی با استناد به جهات ذکر شده در ماده ۵ از شناسایی و اجرا امتناع می‌کنند که تخلف اساسی روی داده باشد. شکست اکثر تلاش‌ها برای ممانعت از اجرای آرای داوری نشان می‌دهد که کنوانسیون نیویورک موفق شده یک نظام حل و فصل اختلاف ساده، سریع و کم هزینه را به عنوان جایگزینی مناسب برای دادرسی‌های قضایی پیچیده، کند و پرهزینه ارائه کند و اکثر قضات می‌کوشند تا استقلال این نظام آلترناتیو را به رسمیت بشناسند و حتی الامکان به قلمرو آن تعرض نکنند. گرچه متن کنوانسیون نیویورک تا حدودی قدیمی شده اما حقیقت آن است که یکی از دلایل مهم موفقیت کنوانسیون، همین قدمت است، قدمتی که به شکل‌گیری رویه قضایی یکدست و یکنواخت در سطح بین‌المللی منجر شده است. بر همین اساس هرگونه تغییر و اصلاح در متن کنوانسیون ممکن است این یکدستی و هماهنگی پدید آمده را به خطر بیاندازد زیرا، این امر به معنای تخریب پایه‌های شکل گرفته در ۶ دهه اخیر و شروع از نقطه صفر است، شروعی که ضرورتاً به تکرار موفقیت امروزی نخواهد انجامید. آنچه از مجموع مطالب فوق بر می‌آید ما را به این می‌رساند که در حقوق ایران اصل بر عدم اجرای احکام خارجی است. این امر از حقوق مدرن و پیشرفته امروزی فاصله دارد. از طرف دیگر نظام اجرای احکام خارجی در ایران مستلزم شناسایی احکام است و مبنای شناسایی احکام در حقوق ایران براساس روش کنترل محدود است که در راستای اصل عدم اجرای احکام خارجی است. همچنین برای اجرای احکام مدنی تشریفات دست‌وپاگیری وجود دارد که از جمله موارد آن می‌توان به صدور دستور اجراء توسط دادگاه صادرکننده حکم خارجی اشاره کرد. در خصوص موانع معمول اجرای احکام خارجی نیز باید گفت که امروزه دیگر از مفهوم موسع نظم عمومی در سطح نظام حقوق کاسته شده و نظریه نظم عمومی تعدیل شده و دیگر صرف مغایرت با احکام داخلی از موجبات عدم اجرای حکم داخلی به شمار نمی‌آید. لذا مقتضی است که ایران نیز دایره مفهوم نظم عمومی را اندکی تعدیل کند هرچند که در این راستا با توجه به اینکه نظام حقوقی ما پیوند مستحکمی با مذهب دارد، قطعاً با مشکلاتی مواجه می‌شود.

منابع

۱. انصاری، علی؛ مبین، حجت. (۱۳۹۹). قواعد فراملی در داوری تجاری بین‌المللی و جایگاه آن در حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳.
۲. جنیدی، لعیا. (۱۳۹۶)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌الملل، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳. حسین آبادی، امیر. (۱۳۹۰)، مقاله موارد ابطال رای داور، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال داوری، چاپ موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۴. رنه دیوید. (۱۳۹۹). داوری در تجارت بین‌المللی، ترجمه حسین خزاعی، زیر چاپ، شماره ۴۰۵.
۵. زندی، محمدرضا. (۱۳۹۹)، داوری، چاپ دوم، انتشارات جنگل.

۶. شکری، فریده. (۱۳۹۲). شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی خانوادگی، فصل‌نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲.
۷. گودرزی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت اجرای احکام داوری خارجی و بین‌المللی، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه.
۸. مردانی، محمدحسن. (۱۳۹۰). شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران، ماهنامه کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۳.
۹. میرزایی، علیرضا. (۱۳۹۸). قواعد داوری از منظر حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۰. نیکبخت، حمیدرضا. (۱۳۹۸). داوری تجاری بین‌المللی، آیین داوری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
۱۱. واحدی، قدرت‌الله. (۱۳۹۳). آیین دادرسی مدنی جلد ۳، چاپ سوم، نشر میزان.
۱۲. همتی کلوان، احمد. (۱۳۸۸). رویه قضایی در شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

Obstacles to the Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Iranian Law and UNCITRAL Regulations

Sara Naebi¹, Habib Asadi²

M.A. Student in Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

²Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran (Corresponding Author)

Abstract

The establishment of the United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL) and its methods of operation have played a vital role in developing and codifying a modern system of international law, offering solutions to the challenges posed by the lack of uniform regulations. The Islamic Republic of Iran has been an active member of UNCITRAL since ۱۹۸۹. Iranian representatives have participated in working groups on international guarantees and credits, the legal effects of using electronic communications, and cross-border insolvency, contributing Iran's legal perspectives alongside representatives from other states. Iran's Law on International Commercial Arbitration, inspired by the UNCITRAL Model Law, was enacted on September ۱۷, ۱۹۹۷ (Mehri ۱۳۷۶ in the Iranian calendar), consisting of ۹ chapters and ۳۶ articles. Although this law marked a significant step toward the modernization of arbitration rules in Iran, it also suffers from certain weaknesses and shortcomings, largely due to deviations from the UNCITRAL Model Law. The New York Convention, regarded as the cornerstone of international arbitration and one of the most successful legal instruments in international trade, faces its most critical challenge in the non-uniform enforcement by its member states. In this regard, Article ۵ of the Convention, which outlines various grounds for refusal of recognition and enforcement of foreign arbitral awards, is often seen as a barrier to achieving consistency. National courts play a crucial role in clarifying and shaping the obstacles and challenges to the recognition and enforcement of arbitral awards through their judgments. While the New York Convention aims to make the recognition and enforcement process as predictable and effective as possible, such a goal can only be achieved if the Convention is uniformly implemented across all member states. Therefore, the most decisive factor in the success of the New York Convention lies in its consistent application by the courts of the contracting states. This study seeks to examine the obstacles to the enforcement of foreign arbitral awards under Iranian law and UNCITRAL rules.

Keywords: Enforcement, Awards, Arbitration, Recognition, UNCITRAL, Iranian Law, Obstacles
